

## مجله الأحكام العدلیة

کتاب 15

### در بیان بینات و تحلیف یا حجت و سوگند

مقدمه

مجله الأحكام العدلیة یکی از جامع‌ترین و مهم‌ترین منابع فقهی در تاریخ اسلام است که به‌طور خاص به تدوین قوانین و احکام قضایی بر اساس اصول اسلامی پرداخته است. این مجله در دوره عثمانی تدوین شد و به عنوان یک منبع معتبر در نظام‌های قضایی اسلامی به کار گرفته شده است. کتاب پانزدهم این مجله به بیان بینات، تحلیف یا حجت و سوگند اختصاص دارد که به‌طور مفصل به بررسی ادله اثبات دعوی، شرایط و اصول شهادت، اسناد خطی، قرائن قاطعه و تحلیف پرداخته است.

مسائل مطرح شده در این کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا اثبات دعاوی در محاکم قضایی اسلامی بر اساس این اصول انجام می‌شود. از آنجا که شهادت، اسناد خطی و تحلیف به‌عنوان ابزارهای اصلی در اثبات دعاوی مورد استفاده قرار می‌گیرند، درک دقیق و کامل این مفاهیم برای قضات، وکلا و حتی عموم مردم ضروری است. شناخت این اصول نه تنها به اجرای عدالت کمک می‌کند، بلکه از بروز اختلافات و نزاع‌های غیرضروری در جامعه جلوگیری می‌کند.

این مقاله با هدف ارائه یک بررسی جامع از احکام مطرح شده در کتاب پانزدهم مجله الأحكام العدلیة نوشته شده است. در این مقاله به تعریف و شرایط شهادت، اصول اسناد خطی، مفهوم و انواع تحلیف، و مسائل مرتبط با تنازع در دعاوی پرداخته می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به لینک <https://ar.olo.online/> به مقالات و منابع حقوقی بیشتر دسترسی یابند.

#### باب اول: فصل اول: تعریف شهادت و نصاب آن

شهادت به عنوان یکی از ارکان اصلی در نظام قضایی اسلامی نقش بسیار مهمی در اثبات دعاوی ایفا می‌کند. در فقه اسلامی، شهادت به معنای گواهی دادن در مورد وقوع یک واقعه یا رویداد است که توسط شاهدانی که آن را دیده‌اند یا از آن آگاهی دارند، ارائه می‌شود. این شهادت می‌تواند در دعاوی مختلف از جمله دعاوی مالی، جنایی، و خانوادگی به‌عنوان مدرک اثبات دعوی مورد استفاده قرار گیرد.

نصاب شهادت به معنای حداقل تعداد شاهدانی است که برای اثبات یک ادعا در محکمه لازم است. این نصاب بسته به نوع دعوی و موضوع مورد بحث متفاوت است. برای مثال، در دعاوی مالی، نصاب شهادت معمولاً دو شاهد مرد یا یک مرد و دو زن است. این در حالی است که در مواردی مانند حد زنا، نصاب شهادت چهار شاهد مرد است. هدف از تعیین نصاب شهادت، اطمینان از صحت و دقت ادعاها و جلوگیری از شهادت‌های نادرست یا غیرمعتبر است.

تعیین نصاب شهادت بر اساس نوع دعوی و اهمیت آن انجام می‌شود. برای مثال، در دعاوی جنایی که مجازات‌های سنگینی مانند حد زنا در پی دارد، نصاب بالاتری از شاهدان لازم است تا از وقوع اشتباهات قضایی جلوگیری شود. این نصاب به عنوان یک ابزار حفاظتی برای متهمین عمل می‌کند و اطمینان می‌دهد که هیچ‌کس بدون دلیل و مدرک کافی

محکوم نمی‌شود. شهادت صحیح و دقیق از مهم‌ترین ارکان دادرسی عادلانه در نظام قضایی اسلامی است و نصاب شهادت نقش حیاتی در تحقق این عدالت ایفا می‌کند.

### فصل دوم: چگونگی ادای شهادت

ادای شهادت به معنای ارائه گواهی در محضر قاضی و بیان حقایق است که شاهد از آن‌ها آگاهی دارد. در فقه اسلامی، ادای شهادت باید به‌طور دقیق و با رعایت کامل اصول شرعی و اخلاقی انجام شود. شاهدان باید با رعایت صداقت و بدون هیچ‌گونه تعصب یا غرض‌ورزی شهادت دهند و از هرگونه تغییر یا تحریف حقیقت خودداری کنند.

ادای شهادت در محکمه نیازمند رعایت اصول خاصی است. شاهدان باید در محکمه حاضر شوند و با قسم به نام خداوند، تعهد دهند که حقیقت را بیان کنند. آن‌ها باید به دقت آنچه را دیده‌اند یا شنیده‌اند، بیان کنند و از اضافه کردن یا حذف جزئیات خودداری کنند. همچنین شاهدان باید آماده باشند تا به سؤالات قاضی و وکلای طرفین پاسخ دهند و ابهامات موجود را روشن کنند.

یکی از نکات مهم در ادای شهادت، رعایت عدالت و بی‌طرفی است. شاهدان نباید تحت تأثیر ترس، تهدید یا تطمیع قرار گیرند و باید به‌گونه‌ای شهادت دهند که تنها حقیقت را بیان کنند. ادای شهادت نادرست یا شهادت به دروغ در فقه اسلامی به شدت مذموم است و مجازات‌های سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است. قاضی نیز باید با دقت و بدون پیش‌داوری به شهادت‌ها گوش دهد و تصمیم خود را بر اساس شواهد معتبر و مستند اتخاذ کند.

### فصل سوم: شروط اساسی شهادت

شهادت در فقه اسلامی دارای شروط خاصی است که بدون رعایت آن‌ها، شهادت قابل قبول نخواهد بود. این شروط به منظور تضمین صحت و عدالت در فرآیند قضاوت وضع شده‌اند و شاهدان باید از هر نظر واجد این شرایط باشند تا شهادت آن‌ها در محکمه معتبر شناخته شود.

یکی از مهم‌ترین شروط شهادت، عدالت و صداقت شاهد است. شاهد باید فردی صادق، راستگو و از نظر اخلاقی پاک باشد. افرادی که به دروغ‌گویی، فساد اخلاقی یا هرگونه رفتار ناپسند شناخته شده‌اند، نمی‌توانند به عنوان شاهد در محکمه

شهادت دهند. عدالت و صداقت شاهد تضمین می‌کند که شهادت او بر اساس حقیقت و بدون هیچ‌گونه تحریف یا غرض‌ورزی ارائه می‌شود.

عقل و بلوغ نیز از دیگر شروط اساسی شهادت هستند. شاهدان باید از نظر عقلی و جسمی به بلوغ رسیده باشند و قادر به درک صحیح واقعه‌ای که شهادت می‌دهند، باشند. افراد نابالغ یا کسانی که به دلیل اختلالات ذهنی یا روانی قادر به درک صحیح وقایع نیستند، نمی‌توانند به عنوان شاهد در محکمه شهادت دهند. این شرط به منظور اطمینان از صحت شهادت و جلوگیری از اشتباهات قضایی وضع شده است.

در برخی دعاوی خاص، مسلمان بودن شاهد نیز از شروط اساسی است. به ویژه در دعاوی مربوط به حقوق دینی و مذهبی، شهادت غیرمسلمانان قابل قبول نیست، مگر در شرایط خاصی که فقه اسلامی آن را مجاز دانسته است. این شرط به منظور حفظ وحدت دینی و اجتماعی در جوامع اسلامی وضع شده و قاضی باید به آن توجه کند.

#### فصل چهارم: موافقت شهادت با دعوی

یکی از اصول اساسی در پذیرش شهادت در فقه اسلامی، موافقت شهادت با دعوی است. به عبارت دیگر، شهادت شاهدان باید به طور کامل با موضوع دعوی مطابقت داشته باشد و نمی‌تواند در مورد مسائل جانبی یا غیرمرتبط ارائه شود. این اصل به منظور اطمینان از صحت و دقت در قضاوت وضع شده است و عدم رعایت آن می‌تواند منجر به رد شهادت شود.

موافقت شهادت با دعوی به این معنا است که شاهدان باید در مورد همان موضوعی شهادت دهند که در محکمه مطرح شده است. آن‌ها نباید از مسیر دعوی خارج شوند یا مسائل دیگری را که ارتباطی با موضوع دعوی ندارند، مطرح کنند. برای مثال، اگر موضوع دعوی مربوط به یک معامله مالی است، شاهدان باید تنها در مورد شرایط و جزئیات آن معامله شهادت دهند و از بیان مسائل دیگر خودداری کنند.

قاضی در بررسی شهادت‌ها باید دقت کند که آیا شهادت‌های ارائه شده با دعوی مطابقت دارد یا خیر. در صورتی که شهادت‌ها با دعوی مطابقت نداشته باشد، قاضی می‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد و به سایر ادله و شواهد موجود برای تصمیم‌گیری مراجعه کند. همچنین، قاضی باید از شاهدان بخواهد تا به طور دقیق و بدون ابهام در مورد موضوع دعوی شهادت دهند و از اضافه‌گویی یا حذف جزئیات خودداری کنند.

موافقت شهادت با دعوی یکی از اصول کلیدی در قضاوت اسلامی است که به حفظ عدالت و صحت در فرآیند دادرسی کمک می‌کند. این اصل به قاضی اطمینان می‌دهد که شهادت‌ها معتبر و مستند هستند و می‌توانند به عنوان مدرک قوی در اثبات دعوی مورد استفاده قرار گیرند. عدم رعایت این اصل می‌تواند به انحراف در قضاوت و بروز بی‌عدالتی منجر شود.

#### فصل پنجم: اختلاف شهود

اختلاف شهود به معنای وجود تفاوت‌ها یا تناقضات در شهادت‌های ارائه شده توسط شاهدان است. این موضوع در فقه اسلامی یکی از چالش‌های مهم در فرآیند دادرسی است که قاضی باید با دقت و بررسی کامل به آن رسیدگی کند. اختلاف شهود ممکن است به دلایل مختلفی از جمله سوءتفاهم، تفاوت در مشاهده و درک واقعه، یا حتی تعمد در ارائه شهادت نادرست رخ دهد.

یکی از وظایف مهم قاضی در مواجهه با اختلاف شهود، بررسی دقیق و مقایسه شهادت‌ها است. قاضی باید تمامی شهادت‌ها را با یکدیگر مقایسه کرده و نقاط قوت و ضعف هر یک را شناسایی کند. در صورتی که اختلاف‌ها جزئی و ناچیز باشند، قاضی می‌تواند با طرح سؤالات بیشتر از شاهدان و بررسی دقیق‌تر موضوع، به نتیجه‌گیری صحیح‌تری

برسد. اما در مواردی که اختلافها عمده و اساسی باشند، قاضی ممکن است تصمیم به رد تمامی شهادتها بگیرد و به دنبال شواهد و ادله دیگر برای اثبات دعوی بگردد.

اختلاف شهود می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نتیجه نهایی دادرسی داشته باشد. در صورتی که شهادتها با یکدیگر تناقض داشته باشند، قاضی باید با دقت و بی‌طرفی کامل به تحلیل آنها پردازد و به دنبال یافتن حقیقت باشد. این تحلیل ممکن است شامل بررسی سایر شواهد و ادله موجود، مصاحبه با شاهدان و حتی بازبینی مجدد وقایع باشد تا قاضی بتواند به تصمیمی عادلانه و منصفانه دست یابد.

در مواردی که اختلاف شهود به دلیل تعمد در ارائه شهادت نادرست رخ داده باشد، قاضی باید با شدت بیشتری برخورد کند و ممکن است شاهدان را به دلیل ارائه شهادت نادرست مجازات کند. این امر به منظور حفظ عدالت و جلوگیری از تکرار چنین رفتارهایی در آینده انجام می‌شود. به طور کلی، اختلاف شهود یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مسائل در فرآیند دادرسی است که نیازمند دقت و توجه ویژه از سوی قاضی است.

### فصل ششم: تزکیه شهود

تزکیه شهود به معنای بررسی و تأیید عدالت و صداقت شاهدان از سوی قاضی یا افراد دیگر است. در فقه اسلامی، شهادت افرادی که عدالت و صداقت آنها مورد تأیید نیست، قابل قبول نیست. به همین دلیل، تزکیه شهود یکی از مراحل اساسی در فرآیند قضاوت است که بدون انجام آن، نمی‌توان به شهادت شاهدان اعتماد کرد.

تزکیه شهود شامل بررسی سوابق اخلاقی، اجتماعی و دینی شاهدان است. قاضی باید اطمینان حاصل کند که شاهدان از هر نظر واجد شرایط شهادت هستند و هیچ‌گونه سابقه دروغگویی، فساد اخلاقی یا رفتار ناپسند ندارند. این بررسی ممکن است شامل مصاحبه با افراد نزدیک به شاهد، تحقیق در مورد سوابق اجتماعی و اخلاقی او، و همچنین بررسی وضعیت دینی و اعتقادی شاهد باشد.

تزکیه شهود به منظور اطمینان از صحت و عدالت در قضاوت انجام می‌شود. این فرآیند تضمین می‌کند که شاهدان تنها بر اساس حقیقت و بدون هیچ‌گونه غرض‌ورزی یا تعصبی شهادت می‌دهند. قاضی باید با دقت این بررسی را انجام دهد و در صورت وجود هر گونه شک و تردید در عدالت و صداقت شاهد، شهادت او را رد کند.

تزکیه شهود یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی است که به حفظ عدالت و جلوگیری از هر گونه اشتباه یا انحراف در قضاوت کمک می‌کند. این اصل تضمین می‌کند که شهادت شاهدان بر اساس حقیقت و در راستای حل و فصل صحیح دعوی باشد.

### فصل هفتم: رجوع شهود از شهادت

رجوع شهود از شهادت به معنای انصراف یا پس‌گرفتن شهادت توسط شاهدان پس از ادای آن است. این مسئله یکی از چالش‌های مهم در فقه اسلامی است که قاضی باید با دقت و بررسی دقیق به آن رسیدگی کند. رجوع از شهادت ممکن است به دلایل مختلفی انجام شود، از جمله پشیمانی از گفتن حقیقت، ترس از پیامدهای قانونی یا اجتماعی، یا حتی تهدید و تطمیع.

در فقه اسلامی، رجوع از شهادت به معنای لغو اعتبار شهادت اولیه است و در صورت وقوع آن، قاضی باید شهادت را نادیده گرفته و به دنبال سایر ادله برای اثبات دعوی باشد. با این حال، قاضی باید بررسی کند که آیا رجوع از شهادت به دلیل تهدید یا تطمیع انجام شده است یا خیر. در صورتی که قاضی تشخیص دهد که رجوع به دلایلی نادرست یا ناموجه انجام شده است، می‌تواند تصمیم به استفاده از شهادت اولیه بگیرد.

رجوع از شهادت ممکن است به ضرر طرفی که شهادت به نفع او داده شده بود، تمام شود و قاضی باید با دقت و عدالت به این مسئله رسیدگی کند. این مسئله نیازمند بررسی دقیق و بررسی شواهد و دلایل دیگر است تا تصمیمی عادلانه و منصفانه گرفته شود.

### فصل هشتم: تواتر شهود

تواتر شهود به معنای تعدد شهادت‌ها و تکرار آن‌ها از سوی شاهدان مختلف است. در فقه اسلامی، تواتر شهود می‌تواند به عنوان یک دلیل قوی در اثبات دعوی مورد استفاده قرار گیرد، زیرا تکرار شهادت از سوی افراد مختلف احتمال خطا و اشتباه را کاهش می‌دهد. تواتر شهود به قاضی اطمینان می‌دهد که ادعا یا واقعه‌ای که مطرح شده است، با واقعیت مطابقت دارد و احتمال نادرستی آن کم است.

تواتر شهود به ویژه در مواردی که شهادت‌های متعددی از افراد مختلف با محتوای مشابه ارائه می‌شود، اهمیت پیدا می‌کند. این مسئله به قاضی کمک می‌کند تا با اطمینان بیشتری به نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری بپردازد. با این حال، قاضی باید اطمینان حاصل کند که تمامی شهادت‌ها مستقل از یکدیگر ارائه شده‌اند و تحت تأثیر شهادت‌های دیگر نبوده‌اند.

در مواردی که تواتر شهود وجود دارد، قاضی می‌تواند از این تواتر به عنوان یک دلیل قوی برای اثبات دعوی استفاده کند و بر اساس آن تصمیم‌گیری نماید. تواتر شهود یکی از اصول مهم در فقه اسلامی است که به افزایش اطمینان و دقت در قضاوت کمک می‌کند.

## باب دوم

### اسناد خطی و قرائن قاطعه

در فقه اسلامی، اسناد خطی و قرائن قاطعه به عنوان ادله معتبر و قوی برای اثبات دعاوی شناخته می‌شوند. این اسناد و قرائن به قاضی کمک می‌کنند تا با دقت و اطمینان بیشتری به نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری بپردازد. اسناد خطی شامل تمامی مدارک و مستندات کتبی است که به تأیید صحت یک ادعا یا معامله کمک می‌کند، در حالی که قرائن قاطعه شامل تمامی شواهد و دلایل غیرمستقیم است که به تقویت یک ادعا یا نظریه کمک می‌کند.

### فصل اول: اسناد خطی

اسناد خطی یکی از مهم‌ترین ادله اثبات دعوی در فقه اسلامی است. این اسناد شامل تمامی مدارک و مستندات کتبی است که به تأیید صحت یک ادعا یا معامله کمک می‌کند. اسناد خطی می‌تواند شامل قراردادها، وصیت‌نامه‌ها، رسیدها، نامه‌ها و سایر مدارک کتبی باشد که به عنوان ادله معتبر در محکمه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های مهم اسناد خطی این است که آن‌ها به عنوان یک دلیل قوی و قابل اعتماد برای اثبات دعاوی شناخته می‌شوند. اسناد خطی معمولاً توسط اشخاص معتبر و دارای صلاحیت، تنظیم و امضا می‌شود و به همین دلیل، از اعتبار بالایی برخوردار است. با این حال، قاضی باید اطمینان حاصل کند که اسناد خطی ارائه شده اصل است و هیچ گونه تغییری در آن‌ها صورت نگرفته است.

در فقه اسلامی، اسناد خطی به ویژه در دعاوی مالی و معاملات تجاری اهمیت ویژه‌ای دارد. این اسناد به قاضی کمک می‌کند تا با دقت و اطمینان بیشتری به تصمیم‌گیری پردازد و از هر گونه اشتباه یا انحراف در قضاوت جلوگیری شود.

### فصل دوم: قرینه قاطعه

قرائن قاطعه به عنوان یکی از ادله معتبر در فقه اسلامی شناخته می‌شود. این قرائن شامل تمامی شواهد و دلایل غیرمستقیم است که به تقویت یک ادعا یا نظریه کمک می‌کند. قرائن قاطعه معمولاً به عنوان شواهد تکمیلی در کنار سایر ادله مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند به عنوان دلیل قوی برای اثبات دعوی مورد استفاده قرار گیرد.

قرائن قاطعه ممکن است شامل شواهدی مانند رفتارهای خاص، علانم و نشانه‌ها، و سایر شواهد غیرمستقیم باشد که به قاضی کمک می‌کند تا به نتیجه‌گیری صحیح‌تری برسد. این قرائن معمولاً به تنهایی نمی‌تواند به عنوان دلیل اصلی برای اثبات دعوی مورد استفاده قرار گیرد، اما می‌تواند به تقویت سایر ادله و شواهد کمک کند.

در مواردی که قرائن قاطعه وجود دارد، قاضی می‌تواند از این قرائن به عنوان یک دلیل قوی برای اثبات دعوی استفاده کند و بر اساس آن تصمیم‌گیری نماید. قرائن قاطعه یکی از اصول مهم در فقه اسلامی است که به افزایش اطمینان و دقت در قضاوت کمک می‌کند.

## باب سوم

### تحلیف (سوگند)

تحلیف به معنای ادای سوگند از سوی یکی از طرفین دعوی به منظور اثبات ادعای خود است. در فقه اسلامی، تحلیف یکی از ابزارهای اثبات دعوی است که به ویژه در مواردی که سایر ادله کافی نیستند یا اختلاف نظر بین طرفین وجود دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیف به عنوان یکی از حقوق شرعی طرفین دعوی شناخته می‌شود و قاضی می‌تواند از طرفین بخواهد که برای اثبات ادعای خود سوگند یاد کنند.

### فصل اول: تعریف تحلیف و شروط آن

تحلیف به معنای ادای سوگند از سوی یکی از طرفین دعوی به منظور اثبات ادعای خود است. در فقه اسلامی، تحلیف به عنوان یکی از ابزارهای اثبات دعوی شناخته می‌شود و به ویژه در مواردی که سایر ادله کافی نیستند یا اختلاف نظر بین طرفین وجود دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تحلیف دارای شروط خاصی است که باید رعایت شود تا قابل قبول باشد. یکی از این شروط، مسلمان بودن فردی است که سوگند یاد می‌کند. سوگند باید به نام خداوند و با رعایت کامل اصول دینی و اخلاقی انجام شود. همچنین، فردی که سوگند یاد می‌کند باید عاقل و بالغ باشد و از هر گونه تعصب یا تعهد ناپسند دوری کند.

تحلیف یکی از ابزارهای قوی برای اثبات دعوی است، اما باید با دقت و احتیاط از آن استفاده شود. قاضی باید اطمینان حاصل کند که طرفین دعوی با آگاهی کامل از پیامدهای قانونی و شرعی سوگند، اقدام به تحلیف می‌کنند.

### فصل دوم: انواع تحلیف

تحلیف در فقه اسلامی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که هر یک از آنها دارای شرایط و قواعد خاصی است. یکی از این انواع، تحلیف بر اساس ادعای حقوقی است که به منظور اثبات ادعای مالی یا حقوقی طرفین دعوی انجام می‌شود. در این نوع تحلیف، طرفین دعوی باید سوگند یاد کنند که ادعای آنها صحیح است و هیچ گونه دروغ یا تقلبی در آن وجود ندارد.

در فصل دوم از "مجلة الأحكام"، موضوع "انواع تحلیف" یا سوگند یاد کردن، مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل به توضیح دو نوع یمین (سوگند) می‌پردازد: "یمین به سبب" و "یمین به حاصل".

"یمین به سبب" به سوگندی گفته می‌شود که در آن فرد سوگند می‌خورد که یک اتفاق خاص رخ داده یا رخ نداده است. برای مثال، سوگند به اینکه یک معامله صورت گرفته یا انجام نشده است.

"یمین به حاصل" به سوگندی اشاره دارد که در آن فرد سوگند یاد می‌کند که وضعیت موجود (مثلاً یک قرارداد) همچنان پایدار است یا دیگر وجود ندارد.

بر اساس این تقسیم‌بندی، فردی که از او سوگند خواسته می‌شود، می‌تواند بر اساس یکی از این دو نوع یمین قسم بخورد. علامه علی حیدر نیز به این تفاوت اشاره کرده و می‌گوید که در برخی موارد، اگر به جای "یمین به حاصل"، "یمین به سبب" ادا شود، ممکن است باعث ضرر گردد، اما عکس این موضوع صادق نیست. برای مثال: اگر مدعی ادعا کند که مبلغی را به عنوان قرض به مدعی علیه داده است، ولی مدعی علیه به "حاصل" قسم بخورد و بگوید که "من اصلاً بدهکار تو نبوده و ندستم"، در صورتی که مدعی نتواند ادعای خود را ثابت کند و مدعی علیه مجبور به سوگند شود، او باید به این شکل قسم بخورد: "من هیچ مبلغی به عنوان قرض بدهکار نبوده‌ام." اما اگر او به "سبب" قسم بخورد و بگوید "من اصلاً از تو قرضی نگرفته‌ام"، ممکن است که دروغ گفته باشد، زیرا احتمال دارد که قرض گرفته ولی بعداً آن را بازپرداخت کرده باشد.

به طور ساده، اگر مدعی بگوید که "این مال را از تو خریداری کرده‌ام"، و مدعی علیه به "حاصل" قسم بخورد و بگوید "این مال تو نیست"، او به حاصل دعوا قسم خورده است، نه به سبب (یعنی عدم وقوع معامله). اگر مدعی علیه به

"سبب" (عدم بیع) قسم بخورد، ممکن است متضرر شود، چون احتمال دارد که معامله‌ای انجام شده باشد اما بعداً اقاله شده باشد.

### فصل سوم: نیابت در تحلیف و تعدد موضوعات در دعوای واحد

در برخی موارد، نیابت در تحلیف به معنای ادای سوگند از سوی نماینده یا وکیل یکی از طرفین دعوی به جای خود او انجام می‌شود. این مسئله به ویژه در مواردی که یکی از طرفین دعوی به دلیل عدم حضور یا مشکلات جسمی قادر به حضور در محکمه نیست، مطرح می‌شود. در این صورت، قاضی می‌تواند اجازه دهد که نماینده یا وکیل طرف دعوی به جای او سوگند یاد کند.

تعدد موضوعات در دعوای واحد نیز به معنای وجود چندین موضوع مختلف در یک دعوی است که هر یک از آنها نیاز به اثبات جداگانه دارد. در این موارد، ممکن است قاضی تصمیم بگیرد که برای هر یک از موضوعات جداگانه، تحلیف انجام شود. این مسئله به ویژه در دعاوی پیچیده و گسترده که شامل چندین موضوع مختلف هستند، اهمیت پیدا می‌کند.

### فصل چهارم: اثر یمین و نکول

اثر یمین به معنای تاثیر و نتیجه سوگند در فرآیند قضایی است. در فقه اسلامی، سوگند به عنوان یکی از ادله قوی برای اثبات دعوی شناخته می‌شود و می‌تواند تاثیر زیادی در تصمیم‌گیری قاضی داشته باشد. اگر فردی که سوگند یاد کرده است، ادعای خود را به درستی ثابت کند، قاضی می‌تواند بر اساس آن تصمیم‌گیری کند و حکم صادر کند.

نکول به معنای امتناع از ادای سوگند است. در صورتی که یکی از طرفین دعوی از ادای سوگند خودداری کند، این نکول می‌تواند به ضرر او تمام شود و قاضی ممکن است بر اساس آن تصمیم‌گیری کند. امتناع از ادای سوگند به معنای عدم اثبات ادعا است و قاضی می‌تواند بر اساس شواهد و دلایل دیگر تصمیم‌گیری نماید.

## باب چهارم

### تنازع در ذوالییدی، ترجیح بینات، تحکیم حال و تحلیف متقابل

باب چهارم از کتاب پانزدهم مجله الأحكام العدلیه به موضوعاتی مانند تنازع در ذوالییدی، ترجیح بینات، تحکیم حال و تحلیف متقابل می‌پردازد. این بخش‌ها در فرآیند قضایی و به ویژه در دعاوی پیچیده و حساس نقش حیاتی ایفا می‌کنند. هر یک از این مفاهیم به نوعی با اصول عدالت و انصاف در ارتباط هستند و به قاضی کمک می‌کنند تا با در نظر گرفتن تمامی جوانب، تصمیمی عادلانه و درست بگیرد.

### فصل اول: تنازع در ذوالییدی



تنازع در ذوالییدی به معنای منازعه و اختلاف بر سر مالکیت یا تسلط بر یک مال یا شیء است که در اختیار یکی از طرفین دعوی قرار دارد. این مسئله در فقه اسلامی بسیار پیچیده و حساس است، زیرا تعیین مالکیت یک مال یا شیء که در تصرف یکی از طرفین دعوی است، نیازمند بررسی دقیق و موشکافانه است. در این نوع دعاوی، ممکن است هر یک از طرفین دعوی ادعا کنند که آن مال یا شیء متعلق به آنهاست و بر این اساس، دعوی حقوقی شکل گیرد.

در چنین مواردی، قاضی باید با دقت تمام به شواهد و مدارک موجود توجه کرده و به دنبال یافتن حقیقت باشد. اصل در فقه اسلامی این است که "ید" به معنای تصرف، دلالت بر مالکیت دارد. به عبارت دیگر، کسی که مال یا شیء را در تصرف دارد، تا زمانی که خلاف آن اثبات نشود، مالک آن محسوب می‌شود. اما اگر شخص دیگری ادعا کند که آن مال متعلق به اوست، باید مدارک و دلایل محکمی ارائه دهد تا این ادعا را ثابت کند.

در چنین دعاوی، ممکن است نیاز به بررسی شهادت شاهدان، اسناد کتبی، و حتی قرائن و شواهد دیگری باشد که می‌تواند به روشن شدن موضوع کمک کند. قاضی باید به تمامی این موارد توجه کرده و با بررسی دقیق، مالکیت واقعی مال را تعیین کند. در برخی موارد، ممکن است قاضی به این نتیجه برسد که مال باید به شخصی که در تصرف دارد، باقی بماند تا زمانی که طرف دیگر نتواند مدارک و شواهد کافی برای اثبات ادعای خود ارائه دهد.

## فصل دوم: ترجیح بینات در دعاوی و چگونگی آن

ترجیح بینات به معنای اولویت دادن به برخی از ادله و شواهد در فرآیند قضاوت است. در برخی دعاوی، ممکن است چندین شاهد یا مدرک برای اثبات ادعای طرفین وجود داشته باشد، اما این شواهد ممکن است با یکدیگر تضاد یا تفاوت داشته باشند. در چنین مواردی، قاضی باید تصمیم بگیرد که کدام یک از این شواهد و ادله قابل اعتمادتر و قوی‌تر است و بر اساس آنها تصمیم‌گیری کند.

ترجیح بینات یکی از اصول مهم در فقه اسلامی است که به قاضی کمک می‌کند تا در مواردی که شواهد و مدارک متناقض هستند، به یک تصمیم درست و عادلانه برسد. برای مثال، در یک دعوی ممکن است دو شاهد متفاوت شهادت دهند و هر کدام از آنها دیدگاه متفاوتی از واقعه داشته باشند. در چنین شرایطی، قاضی باید بررسی کند که کدام یک از این شاهدان از نظر صداقت و عدالت در وضعیت بهتری قرار دارد و شهادت او به واقعیت نزدیک‌تر است.

علاوه بر این، قاضی ممکن است به سایر شواهد و مدارک مانند اسناد کتبی یا قرائن نیز توجه کند. این اسناد می‌توانند شامل قراردادهای، نامه‌ها، رسیدها یا هر نوع مدرکی باشد که می‌تواند به تقویت ادعای یکی از طرفین کمک کند. همچنین، قرائن و شواهد غیرمستقیم نیز می‌توانند در فرآیند ترجیح بینات نقش مهمی ایفا کنند. برای مثال، رفتارهای خاص، علائم و نشانه‌ها یا حتی سوابق رفتاری و اجتماعی طرفین دعوی می‌تواند به قاضی در تصمیم‌گیری کمک کند.

ترجیح بینات به عنوان یک ابزار مهم در دستان قاضی، به او این امکان را می‌دهد که با در نظر گرفتن تمامی جوانب و با اولویت دادن به شواهد قوی‌تر، به یک تصمیم عادلانه و منطقی برسد. این اصل در فقه اسلامی به منظور حفظ عدالت و جلوگیری از هرگونه اشتباه یا انحراف در فرآیند قضاوت وضع شده است و قاضی باید با دقت و بی‌طرفی کامل به اجرای آن بپردازد.

## فصل سوم: تحکیم حال و اعتبار به اقوال طرفین

تحکیم حال به معنای تثبیت وضعیت موجود و اعتبار دادن به اقوال طرفین دعوی است. در بسیاری از دعاوی، قاضی باید بر اساس شواهد و مدارک موجود و همچنین اقوال طرفین تصمیم‌گیری کند. در برخی موارد، وضعیت فعلی و موجود طرفین می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم نهایی قاضی داشته باشد. به عنوان مثال، اگر یکی از طرفین دعوی مدعی مالکیت یک مال یا شیء باشد و دیگری آن را در تصرف داشته باشد، قاضی ممکن است به وضعیت موجود اعتماد کرده و مالکیت را به کسی که مال را در تصرف دارد، اعطا کند.

اعتبار به اقوال طرفین نیز به معنای بررسی و تحلیل دقیق اظهارات طرفین دعوی است. قاضی باید به دقت به اظهارات هر یک از طرفین گوش دهد و سعی کند تا با بررسی این اقوال و مقایسه آن‌ها با شواهد و مدارک موجود، به حقیقت نزدیک شود. در برخی موارد، ممکن است اقوال طرفین با یکدیگر تناقض داشته باشند یا یکی از طرفین تلاش کند تا با ارائه اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده، قاضی را به اشتباه بیندازد. در چنین شرایطی، قاضی باید با تکیه بر تجربه، دانش فقهی و اصول قضایی، به تجزیه و تحلیل این اظهارات پردازد و تصمیم خود را بر اساس آن اتخاذ کند.

تحکیم حال و اعتبار به اقوال طرفین یکی از مراحل حساس و پیچیده در فرآیند قضاوت است که نیازمند دقت و توجه ویژه از سوی قاضی است. این اصل به قاضی کمک می‌کند تا با توجه به وضعیت فعلی و موجود طرفین و با در نظر گرفتن تمامی شواهد و مدارک، به یک تصمیم عادلانه و منصفانه برسد. همچنین، این اصل تضمین می‌کند که تصمیم‌گیری قاضی بر اساس واقعیت‌های موجود و نه تنها بر اساس اظهارات نادرست یا گمراه‌کننده صورت گیرد.

## فصل چهارم: حق تحلیف متقابل میان طرفین

تحلیف متقابل به معنای امکان ادای سوگند توسط هر دو طرف دعوی است. در فقه اسلامی، سوگند یکی از ابزارهای قوی برای اثبات یا رد یک ادعا است و می‌تواند نقش مهمی در نتیجه نهایی دعوی ایفا کند. در برخی موارد، قاضی ممکن است تصمیم بگیرد که هر دو طرف دعوی سوگند یاد کنند تا از صحت ادعای خود دفاع کنند. این امر به ویژه در مواردی که شواهد و مدارک موجود کافی نیست یا در تضاد با یکدیگر قرار دارند، اهمیت پیدا می‌کند.

حق تحلیف متقابل به منظور حفظ عدالت و انصاف در فرآیند قضایی در نظر گرفته شده است. این حق به هر یک از طرفین دعوی این امکان را می‌دهد که با ادای سوگند، از ادعای خود دفاع کنند و قاضی نیز با توجه به سوگندهای هر دو طرف، به نتیجه‌گیری نهایی برسد. سوگند به عنوان یک ابزار قوی در فقه اسلامی شناخته می‌شود و قاضی باید با دقت و احتیاط از آن استفاده کند.

در برخی موارد، ممکن است یکی از طرفین دعوی از ادای سوگند خودداری کند. این امتناع از سوگند می‌تواند به ضرر او تمام شود و قاضی ممکن است بر اساس این نکول، تصمیمی به نفع طرف دیگر بگیرد. امتناع از سوگند به معنای ناتوانی در اثبات ادعا است و قاضی می‌تواند بر اساس شواهد و دلایل دیگر، تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

تحلیف متقابل یکی از اصول مهم در فقه اسلامی است که به قاضی این امکان را می‌دهد تا با در نظر گرفتن تمامی جوانب و با اعتماد به سوگندهای طرفین، به یک تصمیم عادلانه و منصفانه برسد. این اصل به منظور حفظ عدالت و

جلوگیری از هرگونه اشتباه یا انحراف در فرآیند قضاوت وضع شده است و قاضی باید با دقت و بی‌طرفی کامل به اجرای آن پردازد.

### نتیجه‌گیری

مجله الأحكام العدلیه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع فقهی و حقوقی در تاریخ اسلام، اصول و قواعدی را برای اثبات دعاوی و رسیدگی به اختلافات قضایی ارائه داده است که همچنان در بسیاری از کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مجموعه قوانین، که در دوره عثمانی تدوین شده است، به عنوان یک منبع معتبر و جامع در نظام‌های قضایی اسلامی به کار گرفته می‌شود و نقش حیاتی در اجرای عدالت و حفظ انصاف در جامعه دارد.

در نهایت، کتاب پانزدهم از مجله الأحكام العدلیه، با تمرکز بر مفاهیم کلیدی همچون بینات، تحلیف، حجت و سوگند، به بررسی دقیق و جامع اصول فقهی و قضائی در اسلام پرداخته است. این کتاب به‌ویژه در زمینه‌های اثبات دعاوی، شرایط شهادت، اسناد خطی، قرائن قاطعه، و تحلیف، اهمیت ویژه‌ای دارد و برای قضاوت عادلانه و منصفانه در محاکم اسلامی نقشی حیاتی ایفا می‌کند. مفاهیم مطرح‌شده در این کتاب نه تنها به تعیین صحت و سقم دعاوی کمک می‌کنند، بلکه به حفظ عدالت و جلوگیری از بروز اختلافات و نزاع‌های بی‌اساس در جامعه نیز می‌پردازند.

به طور کلی، کتاب پانزدهم مجله الأحكام العدلیه با ارائه اصول و قواعد فقهی مرتبط با بینات، تحلیف، حجت و سوگند، به دنبال ارائه راهکارهای قانونی و اصولی برای رسیدن به عدالت در محاکم اسلامی است. این کتاب به قضات، وکلا، و همچنین عموم مردم کمک می‌کند تا با شناخت و درک صحیح از این اصول، در فرآیند قضاوت و اثبات دعاوی دقت بیشتری داشته باشند و از عدالت در جامعه اسلامی حمایت کنند. در نتیجه، مطالعه و فهم عمیق این مفاهیم برای هر فردی که به دنبال درک عمیق‌تر از نظام قضائی اسلامی و مشارکت در اجرای عدالت است، ضروری و مفید است.